

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال نهم، شماره دوم، شماره ترتیبی ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۲۶

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۶/۵/۲۱، ۱۳۹۶/۶/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱۴

صص ۴۲-۱۷

## میزان وابستگی نحوی و معنایی بندهای متممی در زبان فارسی

الهام ایزدی\*

محمد راسخ‌مهند\*\*

### چکیده

وابستگی از مهم‌ترین روابط بین عناصر نحوی است. در وابسته‌سازی، واحدی به واحد دیگری وابسته می‌شود. یکی از انواع ساخت‌های وابسته، بند متممی است. در این پژوهش به بررسی میزان وابستگی نحوی و معنایی بندهای متممی زبان فارسی می‌پردازیم. افعال متممی فارسی را براساس عوامل معنایی از جمله احتمال انجام فعل بند اصلی، هم‌ارجاعی و هم‌زمانی بین بند متممی و بند اصلی، در طبقات متفاوت وابستگی قرار داده‌ایم. سپس، با بررسی عوامل نحوی از جمله زمان فعل بند متممی، حضور یا نبود متمم‌نما در بند متممی، هم‌واژگانی شدگی و یا حالت فاعلی و مفعولی در بندها مشخص کرده‌ایم که کدام افعال دارای بیشترین میزان پیوستگی بین بند اصلی و بند متممی هستند. آن دسته از بندهای متممی که بیشترین پیوستگی را با بند اصلی دارند، گرایش دارند که در یک جمله واحد با بند اصلی قرار بگیرند. در این پژوهش مشخص شد افعال بهره‌کشی بیشترین پیوستگی را بین بند متممی و بند اصلی دارا هستند و گرایش بندها در این افعال برای پیوند در یک جمله واحد بیشتر است؛ بنابراین، در بالای پیوستار متمم‌سازی قرار می‌گیرند. در کنار افعال بهره‌کشی، افعال وجهیتی با پیوستگی یکسان قرار دارند و در پایین پیوستار متمم‌سازی، افعال ادراکی-شناختی-بیانی قرار می‌گیرند که دارای کمترین پیوستگی بین بند اصلی و متممی هستند. با بررسی عوامل نحوی در پیوند بند متممی و بند اصلی، مشخص شد زبان فارسی از فرایند هم‌واژگانی شدگی در پیوند بندهای متممی استفاده نمی‌کند. این پژوهش پیوستاری از افعال متممی فارسی و تأثیر تصویرگونگی بر پیوند این افعال به دست می‌دهد.

### کلید واژه‌ها:

بندهای متممی، تصویرگونگی، پیوستگی معنایی، افعال وجهیتی، افعال بهره‌کشی، افعال ادراکی-شناختی-بیانی

\* e.izadi89@gmail.com

\*\* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران

mrasekhmahand@yahoo.com

\*\* استاد گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

Copyright©2018, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

## ۱- مقدمه

وابستگی<sup>۱</sup> در کنار هم‌پایگی<sup>۲</sup> یکی از مهم‌ترین روابط بین عناصر نحوی است. در فرایند وابسته‌سازی، واحدی به واحد دیگری وابسته می‌شود و یا بندی درون بند دیگری واقع می‌شود. در واقع، وابسته‌سازی، رابطه بین دو بند است که یکی از این بندها در ارتباط با بند دیگر تعبیر می‌شود (کریستوفارو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۲). وابسته‌سازی در تحلیل‌های دستوری به روند ارتباط واحدی اشاره دارد که دارای وضعیت نحوی خاصی می‌شوند؛ یعنی یک واحد وابسته دیگری و معمولاً سازه‌ای از آن می‌شود (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۳۶۱). یکی از انواع بندهای وابسته، بند متممی<sup>۴</sup> است. بند متممی، بندی است که به همراه بند پایه<sup>۵</sup> می‌آید و نقش متمم بند پایه را ایفا می‌کند. این بند از نظر نحوی و معنایی با فعل بند اصلی در ارتباط است. در مثال‌های زیر فعل‌های «میل داشتن» و «کوشیدن» از جمله افعال متممی<sup>۶</sup> هستند که به همراه بند متممی به کار رفته‌اند. بند متممی در این مثال‌ها در داخل قلاب و بند اصلی به همراه فعل اصلی در خارج از آن قرار دارد.

(۱) همه میل داشتند [که مادرم را از این تصمیم منصرف کنند].

(۲) در زندگی کوشیدم [که هنرمند شوم].

افعال متممی زبان فارسی بر اساس عوامل معنایی؛ مانند هم‌ارجاعی<sup>۷</sup> و هم‌زمانی<sup>۸</sup> بین بند متممی و بند اصلی، و عوامل نحوی؛ مثل زمان فعل بند متممی، در طبقات مختلف قرار می‌گیرند. با توجه به عوامل معنایی، پیوستاری از این افعال به دست می‌آید که در واقع، میزان پیوستگی معنایی<sup>۹</sup> بین بند متممی و بند اصلی را مشخص می‌کند. عوامل نحوی نشان‌دهنده میزان گرایش دو بند اصلی و متممی بر قرار گرفتن در جمله واحدی هستند. مثال زیر نشان‌دهنده فعل متممی در دو کاربرد، همراه بند متممی و مفعول اسمی شده (بند متممی در جایگاه مفعول که تبدیل به اسم شده است) است (گیون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱: ۳۹). به این صورت که در مثال (۳)، فعل متممی همراه بند متممی به کار رفته است؛ اما در مثال (۴) دو بند اصلی و متممی در قالب یک جمله واحد به هم پیوند خورده‌اند. پیوستگی نحوی مثال (۴) از مثال (۳) بیشتر است.

(۳) تعجب کردند [ما را دیدند]. (همراه بند متممی)

(۴) از دیدار ما تعجب کردند. (همراه مفعول اسمی شده)

هدف کلی این بحث، بررسی تناظر<sup>۱۱</sup> بین ابعاد نحوی و معنایی متمم‌سازی<sup>۱۲</sup> است. منظور از تناظر این است که پیوستگی‌های معنایی و نحوی بین بند متممی و بند اصلی در نهایت باعث می‌شود که این دو بند به مثابه یک جمله واحد به یکدیگر پیوند

<sup>1</sup> dependency

<sup>2</sup> coordination

<sup>3</sup> S.Cristofaro

<sup>4</sup> complement clause

<sup>5</sup> main clause

<sup>6</sup> complement- taking verb

<sup>7</sup> co- reference

<sup>8</sup> co-temporality

<sup>9</sup> semantic bond

<sup>10</sup> T.Givón

<sup>11</sup> isomorphism

<sup>12</sup> complementation

بخورند و این پیوند در متمم‌سازی، یکی از بهترین نمونه‌ها از جلوهٔ تصویر‌گونگی<sup>۱</sup> در نحو است. منظور از تصویر‌گونگی این است که ساختار زبان‌ها، ساختار تجربه را منعکس می‌کند (کرافت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۱۰۲). در واقع، دستور متمم‌سازی، نمونه‌ای از جلوه تصویر‌گونگی در نحو است، به این صورت که اجزایی که از نظر نقشی، مفهومی و شناختی به یکدیگر نزدیک تر هستند، به یک صورت رمزگذاری می‌شوند (گیون، ۱۹۹۱ الف: ۵). تصویر‌گونگی در بندهای متممی به این معنی است که هر چه پیوستگی معنایی بین دو بند اصلی و متممی بیشتر باشد، گرایش به وابستگی نحوی نیز بیشتر است. به عنوان نمونه‌ای دیگر، مثال (۵. الف)، با بند متممی به کار رفته است؛ اما این دو بند در مثال (۵. ب) به یک جمله تبدیل شده‌اند.

(۵ الف) اجازه خواستیم [بار را توزیع کنیم].

(ب) برای توزیع بار اجازه خواستیم.

پیش‌بینی کلی تصویر‌گونگی در قالب این اصل بیان می‌شود: «پیوستگی معنایی محکم بین دو رخداد، به یکپارچگی بیشتر دو بندی می‌انجامد که در نهایت در یک جمله پیچیده به هم می‌پیوندند» (گیون، ۲۰۰۱: ۴۰).

در واقع، این اصل به این معناست که هر چه پیوستگی معنایی بین دو بند اصلی و متممی بیشتر باشد، این دو بند گرایش دارند در یک جمله واحد به یکدیگر پیوندند. البته این اصل فقط در متمم‌سازی به کار نمی‌رود؛ اما در آن یکی از تبیین‌های آشکار متمم‌سازی یافت می‌شود. بازتاب دیگری از اصل، این است که پیچیدگی نحوی (درونه‌گیری<sup>۳</sup> یک بند در بند دیگر) حاصل طبیعی پیچیدگی شناختی - معنایی (گنجاندن یک رویداد در دیگری) است. هولمن<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) در مقاله‌ای به بحث مفصل پیرامون پیرامون افعال سببی در انگلیسی و تصویر‌گونگی در این افعال پرداخته است. وی به نقل از صورت‌گرایانی چون زاندوورت<sup>۵</sup> (۱۹۵۷: ۴)، آندرسون<sup>۶</sup> (۱۹۸۵: ۱۲)، بایسن<sup>۷</sup> (۱۹۸۷: ۳۴۱)، لِرِر<sup>۸</sup> (۱۹۸۷: ۲۵۶) و هادلستون<sup>۹</sup> (۱۹۷۱: ۱۶۵) عنوان می‌کند که این گونه تصویر‌گونگی در نحو تصادفی است، در حالی که نقش‌گرایانی چون بولینجر<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۷) و هایمن<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۵: ۲۱-۲۴) وجود این تفاوت‌های نحوی و تشکیل یک جمله واحد را حاصل کارکردهای نقشی می‌دانند.

از دیدگاه نقش‌گرایان، تناظر بین بُعد نحوی و معنایی در متمم‌سازی مستلزم دو بُعد موازی است:

بُعد معنایی ←	یکپارچگی <sup>۱۲</sup> رویداد (پیوستگی معنایی)	}
بُعد نحوی ←	یکپارچگی بندی (پیوند بندی <sup>۱۳</sup> )	

<sup>1</sup> iconicity

<sup>2</sup> W.Croft

<sup>3</sup> embedding

<sup>4</sup> J.Hollmann

<sup>5</sup> R.W.Zandvoort

<sup>6</sup> E.Andersson

<sup>7</sup> E.Buysens

<sup>8</sup> A.Lehrer

<sup>9</sup> R.D.Huddleston

<sup>10</sup> D.Bolinger

<sup>11</sup> J.Haiman

<sup>12</sup> integration

<sup>13</sup> clause union

بحث تناظر نقش و صورت مورد توجه نقش گرایان بوده است و یکی از تحلیل‌های مطرح در این زمینه از دید نقش‌گرایی را گیون (۲۰۰۱) انجام داده است. دیدگاه او را کریستوفارو (۲۰۰۳) نیز ادامه داده و تکمیل کرده است. در این مقاله چارچوب نظری را این دو اثر، به ویژه گیون (۲۰۰۱) قرار داده‌ایم. گیون (۲۰۰۱: ۴۰) افعالی را که بند متممی می‌گیرند براساس ویژگی‌های معنایی به سه دسته اصلی تقسیم می‌کند. ویژگی‌های این افعال در بخش (۳-۱) بررسی خواهد شد:

الف) افعال وجهیتی<sup>۱</sup> مانند: «تصمیم گرفتن»

• تصمیم گرفتم [بروم].

ب) افعال بهره‌کشی<sup>۲</sup> مانند: «مجبور کردن»

• او را مجبور کردند [به قتل دوستش اعتراف کند].

ج) افعال ادراکی-شناختی-بیانی<sup>۳</sup> مانند «فهمیدن»

• فهمیدیم [با تقدیر نمی‌شود در افتاد].

گیون (۲۰۰۱: ۴۱) سپس پیوستاری (نمودار ۱) از این افعال ارائه می‌دهد که در یک سوی آن افعال وجهیتی و افعال بهره‌کشی و در سوی دیگر افعال ادراکی-شناختی-بیانی قرار دارند. به نظر می‌رسد افعال وجهیتی و افعال بهره‌کشی، که از بالا تا اواسط پیوستار به طور موازی قرار دارند، ویژگی‌های معنایی و نحوی مشابهی دارند. در سوی دیگر پیوستار، افعال ادراکی-شناختی-بیانی قرار دارند که ویژگی‌های نحوی و معنایی متفاوتی نسبت به افعال وجهیتی و بهره‌کشی دارند. در قسمت افعال وجهیتی و بهره‌کشی همان طور که از پیوستار پیداست، بیشترین پیوستگی معنایی و نحوی بین بند اصلی و بند متممی وجود دارد؛ اما در سوی دیگر پیوستار کمترین پیوستگی در افعال ادراکی-شناختی-بیانی مشاهده می‌شود (گیون، ۲۰۰۱: ۴۱).

افعال بهره‌کشی

افعال ادراکی-شناختی-بیانی

افعال وجهیتی

کم‌ترین پیوستگی

بیشترین پیوستگی

نمودار (۱) پیوستار افعال متممی (گیون، ۲۰۰۱: ۴۱)

به منظور مشخص کردن عوامل نحوی و معنایی دخیل در طبقه‌بندی افعال متممی و پیوستگی بندهای متممی و اصلی در این پژوهش، افعال متممی فارسی را استخراج و عوامل معنایی و نحوی تأثیرگذار بر آنها بررسی کرده‌ایم. ابتدا ۲۴۰ فعل متممی را از فرهنگ سخن (انوری، ۱۳۸۲) و پایگاه داده‌های زبان فارسی (عاصی، ۱۹۹۷) انتخاب کرده و با استفاده از مرورگر گوگل به

<sup>1</sup> modality verb

<sup>2</sup> manipulation verbs

<sup>3</sup> perception- cognition- utterance verbs

بررسی نمونه‌های استفاده‌شده از آنها پرداختیم. سه گروه افعال متممی در قالب پیوستار از بیشترین پیوستگی تا کمترین پیوستگی مشخص شده‌اند. در نهایت، مشخص کرده‌ایم که کدام یک از عوامل نحوی در زبان فارسی در پیوند دو بند اصلی و متممی تأثیر گذارند.

## ۲- پژوهش‌های پیشین

اخلاقی (۱۳۸۹) دربارهٔ وابستگی معنایی و نحوی بندهای متممی در زبان فارسی بحث کرده است. اخلاقی با رویکردی نقشی - رده‌شناختی به متمم‌افزایی در فارسی امروز می‌پردازد و عنوان می‌کند فعل بند اصلی نقش عمده‌ای در تعیین ساختار بند وابسته ایفا می‌کند. وی ابتدا ساختار بند وابسته متممی را در هر طبقه معنایی با ساختار بند خبری غیروابسته از منظر صورت فعل بند وابسته و رمزگذاری مشارک‌ها<sup>۱</sup> مقایسه می‌کند. به منظور رمزگذاری دو وضعیت به هم پیوسته در بند اصلی و متممی، که در ترتیب زمانی ثابت رخ می‌دهد، به نقل از کریستوفارو (۲۰۰۳) از دو راهکار بنیادین یاد کرده است و آنها را هم‌ترازی<sup>۲</sup> و تنزل یافتگی<sup>۳</sup> نام می‌نهد. او هم‌ترازی را راهکاری عنوان می‌کند که در آن هر دو وضعیت با صورت فعل یکسانی رمزگذاری می‌شود به نحوی که هر یک از آنها بتواند در بند غیروابسته به کار رود. هم‌ترازی ممکن است دو تجلی ساختاری داشته باشد: یا دو بند به سادگی هم‌جوار می‌شوند و یا به وسیلهٔ یک حرف ربط به هم می‌پیوندند؛ اما در هر حال ساختار هر دو بند بدون تغییر باقی می‌ماند. از سوی دیگر، تنزل یافتگی را راهکاری عنوان می‌کند که در آن یکی از دو وضعیت، با نوعی فعل بیان می‌شود که امکان کاربرد در بند غیروابسته را نداشته باشد (اخلاقی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). صورت فعل تنزل یافته و هم‌تراز از دو جنبه باهم تفاوت دارند:

۱- همه یا بخشی از تمایزات مقوله‌ای نظیر زمان دستوری<sup>۴</sup>، نمود<sup>۵</sup>، وجه یا شخص که به طور معمول برای افعال مطرح است، از صورت فعلی تنزل یافته حذف می‌شود. اگر این نشانه‌ها به همان صورتی که در فعل اصلی نشان داده شده در فعل وابسته هم نمایش داده شود صورت فعلی هم‌تراز است.

۲- استفاده از برخی نشانه‌ها در بند غیروابسته مجاز نیست، از جمله نشانه‌های صفتی و اسمی نظیر نشانه‌های مطابقت حالت و جنس، یا نشانه‌های خاصی از زمان دستوری، نمود، وجه یا شخص. فعل وابسته ممکن است برخی ویژگی‌های اسمی یا صفتی از خود نشان دهد. این فرایند، صورت‌های متنوعی را که معمولاً با عنوان‌هایی کلی نظیر مصدر، وجه وصفی<sup>۶</sup> اسم مصدر<sup>۷</sup> و اسم‌سازی<sup>۸</sup> به آن اشاره می‌شود، در برمی‌گیرد (اخلاقی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

اخلاقی در ادامه به بررسی انواع بند متممی بر اساس تقسیم‌بندی نونان<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) می‌پردازد. اخلاقی افعال متمم‌پذیر را در هشت گروه گروه جای می‌دهد که عبارتند از: وجهیتی، مرحله‌ای، بهره‌کشی، آرزویی، ادراکی، آگاهی، نگرش گزاره‌ای و نقل قولی (اخلاقی،

<sup>1</sup> participants

<sup>2</sup> balancing

<sup>3</sup> deranking

<sup>4</sup> tense

<sup>5</sup> aspect

<sup>6</sup> participle

<sup>7</sup> verbal noun

<sup>8</sup> nominalization

<sup>9</sup> M.Noonan

۱۳۸۹: ۱۰۰) و سپس برای هر دسته به‌طور جداگانه به بررسی صورت فعل و رمزگذاری مشارک‌ها می‌پردازد.

اخلاقی فقط به بررسی صورت فعل و مشارک‌ها می‌پردازد؛ اما به ابعاد نحوی و معنایی که در نهایت به پیوند دو بند در قالب یک جمله واحد می‌انجامد، اشاره‌ای نمی‌کند. پژوهش حاضر علاوه بر طبقه‌بندی ویژگی‌های معنایی و نحوی بندهای متممی، آنها را در سه گروه طبقه‌بندی خواهد کرد. در نهایت، با ارائه پیوستاری نشان خواهیم داد که کدام گروه دارای بیشترین وابستگی نحوی و معنایی بین بند متممی و بند اصلی هستند.

### ۳- چارچوب نظری پژوهش

گیون (۲۰۰۱) بحث را با فهرست کردن ابعاد معنایی اصل یکپارچگی رویداد شروع می‌کند؛ یعنی میزان پیوستگی و نزدیکی معنایی بین دو رویدادی که در بند اصلی و بند متممی آمده‌اند. وی در ادامه به ابعاد نحوی یکپارچگی بند اشاره می‌کند که نشان می‌دهد بین ابعاد نحوی و معنایی متمم‌سازی چه تناظری وجود دارد. گوناگونی رده‌شناختی در متمم‌سازی، حاصل دو منشأ است که با یکدیگر در تعاملند. نخست، زبان‌های مختلف ممکن است از ابزار رمزگذاری<sup>۱</sup> متفاوتی استفاده کنند. برای مثال، برای نشان دادن حالت اسمی شده فاعل یا مفعول از علامت‌های متفاوتی استفاده کنند. دوم، زبان‌های مختلف ممکن است در یک زنجیره معنایی - شناختی یکسان، فشردگی رمزگذاری<sup>۲</sup> متفاوتی نشان دهند (گیون، ۲۰۰۱: ۴۰). در ادامه به این ویژگی‌ها خواهیم خواهیم پرداخت. ابتدا سه گروه افعال متممی را مشخص خواهیم کرد و ویژگی‌های هر گروه را بررسی خواهیم کرد. سپس، به وابستگی معنایی و عوامل نحوی در پیوستگی بند خواهیم پرداخت.

#### ۳-۱- افعال متممی

افعال متممی در سه دسته و جهت، بهره‌کشی و ادراکی-شناختی-بیانی طبقه‌بندی می‌شوند. به تفکیک به ویژگی‌های سرنمونی معنایی و نحوی این افعال می‌پردازیم؛ این ویژگی‌ها در نمونه‌های سرنمونی یافت می‌شوند. در بخش‌های بعدی پیوستاری از این افعال ارائه خواهد شد؛ هر چه از بالا به پایین پیوستار نزدیک می‌شویم، احتمال نقض این ویژگی‌ها وجود دارد:

#### ۳-۱-۱- افعال بهره‌کشی

سرنمون معنایی افعال بهره‌کشی ویژگی‌های زیر را دارد:

- عامل فعل اصلی، رفتار بهره‌ده<sup>۳</sup> را کنترل می‌کند و در واقع، عامل بالقوه است.
- بهره‌ور<sup>۴</sup> فعل اصلی، با عامل بند متممی هم مرجع است.
- بند متممی، رویداد هدف بهره‌ده را رمزگذاری می‌کند.

افعالی چون «ناگزیر کردن»، «درخواست کردن»، «خواهش کردن» و «مجبور کردن» در این گروه قرار دارند. در مثال زیر، فعل «مجبور کردن» یک فعل بهره‌کشی است.

(۶) آنها کودکان را مجبور می‌کنند [که هر روز از صبح تا شب کار کنند].

<sup>1</sup> coding devices

<sup>2</sup> coding density

<sup>3</sup> manipulee

<sup>4</sup> manipulator

«آنها» به مثابه عامل فعل اصلی، رفتار بهره‌ده «کودکان» را کنترل می‌کند. بهره‌ور فعل اصلی هم مرجع عامل بند متممی «آنها» است. بند متممی رویداد هدف که در این نمونه منظور عبارت «کار کردن» است که از طریق بهره‌ده که در این مثال عبارت «آنها» است، رمزگذاری می‌شود.

سرنمون نحوی افعال بهره‌کشی ویژگی‌های زیر را دارد:

- بهره‌ور عامل فعل اصلی، فاعل بند اصلی است.
- بهره‌ده فعل اصلی، مفعول مستقیم یا غیرمستقیم بند اصلی است.
- بهره‌ده فعل اصلی، فاعل بند متممی هم هست.
- فاعل بهره‌ده بند متممی، در آن بند صفر رمزگذاری می‌شود.
- فعل بند متممی، معمولاً کمتر حالت خودایستا یا اسمی شدگی را نشان می‌دهد.
- بند متممی گرایش دارد که جایگاه مفعول را در بند اصلی اشغال کند.
- بند متممی و بند اصلی گرایش دارند که در یک واحد آهنگین یکسان<sup>۱</sup> (باهم) تلفظ شوند؛ یعنی بین بند اصلی و بند متممی لزومی به وجود مکث نیست.

درمثال زیر فعل «فرمان دادن» فعل بهره‌کشی است.

(۷) فرمانده به اسکندر فرمان داد [سپاهی جمع آوری کند].

بهره‌ور فعل اصلی، «فرمانده»، فاعل بند اصلی است. بهره‌ده فعل اصلی، «اسکندر»، مفعول بند اصلی و فاعل بند متممی است که در آن بند به صورت صفر رمزگذاری می‌شود. دو بند اصلی و متممی در واحد آهنگین یکسانی تلفظ می‌شوند (گیون، ۲۰۰۱: ۴۱).

### ۳-۱-۲- افعال ادراکی - شناختی - بیانی

سرنمون معنایی افعال ادراکی - شناختی - بیانی ویژگی‌های زیر را دارد:

- فعل در بند اصلی حالت یا رویدادی ذهنی از ادراک، شناخت و یا کنش شفاهی از گفتار را رمزگذاری می‌کند.
  - فاعل فعل هم می‌تواند عامل باشد و هم برای برخی افعال حالت برای است.
  - حالت یا رویدادی که در بند متممی رمزگذاری می‌شود، مشابه کنش‌پذیر<sup>۲</sup> فعل بند اصلی است.
- از جمله این افعال «مشاهده کردن»، «فهمیدن»، «گفتن» و «اظهار کردن» هستند. فعل «ادعا کردن» حالت بیانی است. رویداد بند متممی «پیامبر را دوست داریم» مشابه کنش‌پذیر بند اصلی است.

(۸) ادعا کردیم [که پیامبر را دوست داریم].

سرنمون نحوی افعال ادراکی - شناختی - بیانی ویژگی‌های زیر را دارد:

- هیچ محدودیت هم مرجعی بین بند اصلی و متممی وجود ندارد.
- بند متممی به احتمال زیاد همانند بند اصلی ساختار خودایستا دارد با یک فاعل که کاملاً تبیین شده است و ساختار

<sup>۱</sup> unified intonation contour

<sup>۲</sup> patient

صرفی محدود دارد.

- دو بند ممکن است در یک واحد آهنگی یکسانی تلفظ نشوند (گیون، ۲۰۰۱: ۴۲).

فعل «درک کردن» یک فعل ادراکی است که در مثال زیر دیده می‌شود:

(۹) کسی درک نکرد [که پرسپولیس نماینده ایران است].

محدودیت هم‌مرجعی بین بند اصلی «کسی» و بند متممی «پرسپولیس» وجود ندارد. بند متممی حالت خودایستا (فعل «است»)

دارد با یک فاعل مشخص («پرسپولیس»). (گیون، ۲۰۰۱: ۴۲).

### ۳-۱-۳- افعال وجهیتی

سرنمون معنایی افعال وجهیتی ویژگی‌های زیر را دارد:

- فعل بند اصلی عمل، نمود (آغاز، پایان، ادامه، موفقیت، شکست)، وجه (تلاش، قصد، اجبار، توانایی، امکان) و یا

گرایش فاعل را در رویداد بند متممی رمزگذاری می‌کند.

- فاعل بند اصلی با فاعل بند متممی هم‌مرجع است.

در مثال (۱۰) فعل «توانستن» یک فعل وجهیتی است. فعل بند اصلی، «توانستن»، یکی از حالت‌های افعال وجهیتی، یعنی

توانایی را نشان می‌دهد و فاعل بند اصلی و بند متممی، «استاد»، هم‌مرجع هستند.

(۱۰) استاد توانست [دانشجو را قانع کند].

سرنمون نحوی افعال وجهیتی دارای ویژگی‌های زیر است:

- فاعل بند اصلی معمولاً فاعل بند متممی است.

- فاعل بند متممی صفر رمزگذاری می‌شود.

- فعل بند متممی معمولاً ناخودایستا یا اسمی شده است.

- بند متممی شبیه مفعول بند اصلی است.

- بند متممی گرایش دارد که در یک واحد آهنگی یکسان با بند اصلی تلفظ شود.

در مثال زیر فعل «تعهد دادن» فعل وجهیتی است.

(۱۱) من تعهد دادم [ذوب آهن را حفظ کنم].

فاعل بند اصلی، «من»، فاعل بند متممی هم‌هست؛ بنابراین، فاعل بند متممی صفر رمزگذاری می‌شود. بند متممی شبیه مفعول

بند اصلی است و بند متممی و بند اصلی تقریباً واحد آهنگی یکسانی دارند (گیون، ۲۰۰۱: ۵۴).

### ۳-۲- وابستگی معنایی

در این بخش به ابعاد معنایی-شناختی متمم‌سازی می‌پردازیم که به ویژگی‌های معنایی فعل اصلی مربوط می‌شود. ساختار

نحوی بندها به چارچوب معنایی (ساخت موضوعی) فعل مربوط می‌شود که نقش هسته را دارد و بند متممی، یکی از این

موضوع‌های بند اصلی است. ابعاد معنایی یکپارچگی رویداد در سه دسته فعل متممی به ترتیب زیر است:

### ۳-۲-۱- ابعاد معنایی افعال بهره‌کشی

عوامل معنایی زیر در افزایش یا کاهش میزان وابستگی نحوی بند اصلی و بند متممی در افعال بهره‌کشی مؤثر هستند.



### ۳-۲-۱-۱- بهره‌کشی موفق و مقصود

گیون افعال بهره‌کشی موفق را افعالی می‌داند که اگر بند اصلی صادق باشد، بند متممی هم صادق است. منظور از صدق جمله، درست بودن جمله براساس واقعیت‌های دنیای خارج است (سعید<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲: ۹۰). درمقابل، افعال بهره‌کشی مقصود<sup>۲</sup> افعالی هستند که الزاماً مثل افعال بهره‌کشی موفق نیستند؛ یعنی ممکن است بند متممی صادق داشته باشد یا نداشته باشد. گیون (۲۰۰۱، ج ۱: ۱۵۲) افعال بهره‌کشی را به دو دسته استلزامی<sup>۳</sup> و غیراستلزامی<sup>۴</sup> تقسیم می‌کند. منظور از استلزامی این است که اگر بند اصلی صادق داشته باشد، بند متممی هم صادق دارد؛ ولی در غیر استلزامی این طور نیست.

۱۲) شهرداری سلماس را وادار کردند [مجسمه فردوسی را برگرداند]. (موفق، استلزامی)

۱۳) ناچارش کردم [بپذیرد]. (موفق، استلزامی)

۱۴) از او خواستم [در را ببندد]. (مقصود، غیر استلزامی)

### ۳-۲-۱-۲- هم‌زمانی و موفقیت

وقتی فعل بند اصلی استلزامی یا موفق است، رویداد بند اصلی و بند متممی هم‌زمان هستند و هم‌زمانی از جمله پیش شرط‌های لازم برای پیوستگی دو رویداد در یک بند است. به بیان دیگر، در فعل بهره‌کشی موفق، بین بند متممی و بند اصلی هم‌زمانی وجود دارد. در مثال (۱۵) بین بند اصلی که دارای فعل بهره‌کشی موفق «موجب شدن» است و بند متممی هم‌زمانی وجود دارد. هر دو در یک زمان رخ داده‌اند و در صورتی که این هم‌زمانی نباشد، نادرست خواهد شد:

۱۵) دیروز تماشاگران موجب شدند [داور پنالتی نگیرد].

۱۶)؟ دیروز تماشاگران موجب شدند [امروز داور پنالتی نگیرد].

### ۳-۱-۲-۳- موفقیت و کنترل عامل

از دیگر ابعاد معنایی متمم‌سازی، درجه کنترل، قدرت انتخاب یا استقلالی است که به وسیله بهره‌ور عامل بند اصلی بر بهره‌ده بند متممی رمزگذاری می‌شود (کنترل عامل<sup>۵</sup>). در بهره‌کشی موفق، بهره‌ور عامل بند اصلی تا حد زیادی بر بهره‌ده بند متممی کنترل دارد تا جایی که بهره‌ده کنترل، قدرت انتخاب و استقلال کمتری دارد. بهره‌ده بیشتر شبیه کنش‌پذیر است. درمقابل، بهره‌ده افعال غیراستلزامی کنترل، قدرت انتخاب و استقلال بیشتری دارد و این یعنی بهره‌ور این افعال دارای کنترل کمتری است.

۱۷) آنها مدیر را مجبور کردند [علیه من صحبت کند]. (کنترل بیشتر بهره‌ور)

۱۸) روسیه از تمامی اتباع خود خواست [خاک ترکیه را ترک کنند]. (کنترل کمتر بهره‌ور)

### ۳-۲-۱-۴- تعمد و کنترل عامل

ممکن است دو فعل بهره‌کشی استلزامی، تقریباً شبیه به هم باشند، ولی سازگاری آنها با قیدهای تعمدی دقیقاً متضاد هم باشد؛ یعنی تعمد<sup>۶</sup> یک فعل بهره‌کشی، از دیگری بیشتر است، یا به بیان دیگر، در صورتی که بهره‌ور فعل بهره‌کشی عامل باشد، دارای

<sup>1</sup>J.Saeed

<sup>2</sup>intended manipulation

<sup>3</sup>implicative

<sup>4</sup>non-implicative

<sup>5</sup>agentive control

<sup>6</sup>intentionality

کنترل است و به صورت کاملاً تعمدی عمل می‌کند؛ در مقابل، فعل‌های بهره‌کشی که دارای بهره‌ور عامل نیستند، الزاماً تعمدی هم ندارند. در مثال‌های زیر به نظر می‌رسد فعل «مجبور کردن» کنترل عاملی بیشتری دارد؛ یعنی تعمدی عمل می‌کند تا بهره‌ور فعل «باعث شدن». این کنترل عاملی تعمدی با اضافه شدن قیدهای «عمداً» و «سهواً» مشخص می‌شود، مثال‌های زیر به همراه این قیدها آمده‌اند:

(۱۹) الف) عمداً مجبورش کرد [امتحان را بیفتد]. ب)؟ سهواً مجبورش کرد [امتحان را بیفتد].

(۲۰) الف)؟ عمداً باعث شدم [مطلب شما اضافه نشود]. ب) سهواً باعث شدم [مطلب شما اضافه نشود]

### ۳-۲-۱-۵- کنترل عامل و یکپارچگی هم‌زمانی

اگر بهره‌ور فعل بهره‌کشی عامل باشد؛ یعنی بهره‌ور عامل وقوع بند متممی و یا عمل بهره‌ده باشد، نیاز به یکپارچگی هم‌زمانی دارد؛ یعنی بین بند متممی و بند اصلی، هم‌زمانی وجود دارد. ولی در صورتی که بهره‌ور غیرعامل باشد، الزاماً نیاز به این هم‌زمانی ندارد. در مثال‌های زیر، فعل «مجبور کردن» دارای بهره‌ور عامل «او» است، پس نیاز به هم‌زمانی دارد؛ یعنی در این فعل باید بین بند متممی و بند اصلی، هم‌زمانی وجود داشته باشد، نیاز به این هم‌زمانی، در مثال (۲۲) که دارای دو زمان مختلف بین بند متممی و بند اصلی است، کاملاً بارز است. در مقابل، فعل «باعث شدن» قرار دارد، که دارای بهره‌ور عامل نیست، پس الزاماً نیازی به هم‌زمانی ندارد.

(۲۱) او دو سال پیش مجبورش می‌کرد [به جلسات انجمن تشریف نیاورد].

(۲۲) او دو سال پیش مجبورش می‌کرد [امسال به جلسات انجمن تشریف نیاورد].

(۲۳) او دو سال پیش باعث شد [امسال به جلسات انجمن تشریف نیاورد].

### ۳-۲-۱-۶- ارتباط مستقیم و یکپارچگی زمانی - مکانی

در صورتی که ارتباط مستقیم بین بهره‌ور و بهره‌ده برقرار باشد، یکپارچگی زمانی - مکانی<sup>۱</sup> هم برقرار است. برای مثال، فعلی چون «مجبور کردن» فعل بهره‌کشی مستقیم است؛ یعنی این مفهوم را می‌رساند که ارتباط مستقیمی بین بهره‌ور و بهره‌ده برقرار است. در مقابل، فعلی چون «باعث شدن» قرار دارد که یک فعل بهره‌ور غیرمستقیم است؛ یعنی ارتباط مستقیم بین بهره‌ده و بهره‌ور وجود ندارد. با مجهول کردن فعل ارتباط مشخص می‌شود.

(۲۴) من او را مجبور کردم [بیاید].

(۲۵)؟ من او را مجبور کردم [به جلسه آورده شود].

(۲۶) من باعث شدم [بیاید].

(۲۷) من باعث شدم [به جلسه آورده شود].

### ۳-۲-۱-۷- تماس مستقیم و موفقیت

به نظر می‌رسد ارتباطی استنتاجی بین بهره‌کشی مستقیم و امکان موفقیت وجود دارد. وقتی تماس مستقیم<sup>۲</sup> بین بهره‌ده و بهره‌ور وجود دارد، امکان موفقیت بیشتر است. در مثال (۲۸)، تماس مستقیم بین بهره‌ور فعل «مجبور کردن» و بهره‌ده آن وجود دارد؛

<sup>۱</sup> spatio- temporal integration

<sup>۲</sup> direct contact

بنابراین، موفق تر است. در واقع، اختیار بهره‌ده کمتر است. در صورتی که در فعل «اجازه دادن» تماس مستقیم بین بهره‌ور و بهره‌ده وجود ندارد؛ بنابراین، ممکن است موفق باشد یا نباشد مانند مثال (۲۹).

(۲۸) مرا مجبور کردند [از خانه بیرون بروم]. (؟ اما نرفتم)

(۲۹) به دخترش اجازه داد [با عثمان ازدواج کند]. (اما نکرد)

### ۳-۲-۱-۸- مقاومت، تحمیل و موفقیت

در افعال بهره‌کشی موفق، بهره‌ور بند اصلی کار یا عملی را بر بهره‌ده بند متممی تحمیل می‌کند؛ اما میزان مقاومت<sup>۱</sup> بهره‌ده، میزان موفقیت بهره‌کشی را مشخص می‌کند. در صورتی که بهره‌ده مقاومت بیشتری داشته باشد، استقلال و کنترل بیشتری در مقابل بهره‌کشی و بهره‌ور دارد و بهره‌ور باید فشار بیشتری را تحمیل<sup>۲</sup> کند.

(۳۰) وادارم کرد [دست از خشونت بکشم]. (فشار کمتر، استقلال کمتر بهره‌ده)

(۳۱) به شورای قضایی فشار آورد [که لاجوردی عزل شود]. (فشار بیشتر، استقلال بیشتر بهره‌ده)

### ۳-۲-۱-۹- یکپارچگی ارجاعی

افعال وجهیتی و بهره‌کشی، هم‌ارجاعی زیادی را بین بند متممی و بند اصلی تحمیل می‌کنند؛ اما افعال ادراکی-شناختی-بیانی الزاماً این‌طور نیستند. منظور از هم‌ارجاعی این است که فاعل بند اصلی با فاعل یا مفعول بند متممی هم‌مرجع است. در مثال (۳۲) که فعل وجهیتی است، بین فاعل بند اصلی و بند متممی هم‌ارجاعی وجود دارد، در مثال (۳۳) که یک فعل بهره‌کشی است، هم‌ارجاعی بین مفعول بند اصلی و فاعل بند متممی وجود دارد.

(۳۲) می‌توانستم [بروم].

(۳۳) از او می‌خواهم [مرا نگاه کند].

### ۳-۲-۱-۱۰- کارگفت‌های بهره‌کشی

در افعال بهره‌کشی موفق، کارگفت‌های فعل بهره‌کشی موفق مستقیم هستند؛ یعنی صریح‌تر عمل می‌کند تا جایی که می‌توانند حتی به صورت دستوری و اجباری هم باشند. اما در افعال بهره‌کشی غیرموفق، این اجبار و صراحت وجود ندارد؛ یعنی به صورت غیرمستقیم عمل می‌کند. در مثال‌های زیر با کاربرد جمله «اما مجبور نیستی» این تفاوت‌ها نمایان است.

(۳۴) مجبوری [بروی]. \*اما مجبور نیستی

(۳۵) کاش [بروی]. اما مجبور نیستی.

### ۳-۲-۲- ابعاد معنایی افعال ادراکی-شناختی-بیانی

افعال ادراکی-شناختی-بیانی ویژگی‌های معنایی زیر را دارند:

### ۳-۲-۲-۱- سببی موفق و هم‌زمانی

بهره‌کشی موفق (استلزامی) یا سببی<sup>۳</sup>، جزء افعالی هستند که هم‌زمانی بین بند متممی و بند اصلی دارند. این هم‌زمانی در افعال شناختی و ادراکی نیز دیده می‌شود. اگر مثال‌های زیر را در نظر بگیریم، مشاهده می‌کنیم در صورتی که زمان به بندها اضافه کنیم، نادرست خواهد بود. فعل «دیدن» فعل ادراکی است، که نیاز به هم‌زمانی دارد. در مثال اول، بند اصلی و بند متممی هم‌زمان

<sup>1</sup> resistance

<sup>2</sup> coercion

<sup>3</sup> successful causation

هستند، در صورتی که در مثال دوم هم‌زمان نیستند.

(۳۶) الف) دیروز دیدم [که علی آمد]. ب)؟ دیروز دیدم [که علی امروز آمد].

### ۳-۲-۲-۳-۲- یکپارچگی ارجاعی

در بخش ۳-۲-۱-۹ عنوان کردیم افعال وجهیتی و بهره‌کشی، هم‌ارجاعی زیادی را بین بند متممی و بند اصلی تحمیل می‌کنند. در این بخش این هم‌ارجاعی در افعال ادراکی-شناختی-بیانی بررسی می‌شود که الزاماً این‌طور نیستند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، منظور این است که فاعل بند اصلی با فاعل یا مفعول بند متممی هم‌مرجع است. در مثال (۳۷) که فعل ادراکی-شناختی-بیانی است، بین فاعل بند اصلی و بند متممی هم‌ارجاعی وجود ندارد.

(۳۷) پیش‌بینی کردم [که تو مشکل ساز هستی]. (من: فاعل بند اصلی؛ تو: فاعل بند متممی)

### ۳-۲-۲-۳-۳- از ترجیح تا معرفتی

در گروه فعل‌های ادراکی-شناختی-بیانی یک دسته‌بندی وجود دارد؛ یعنی ابعاد معنایی با ابعاد نحوی در حال تغییر هستند. گروهی در دسته تکلیفی<sup>۱</sup> قرار می‌گیرند. منظور این است که فاعل بند اصلی تکلیفی را بر روی دوش فاعل بند متممی قرار می‌دهد. در واقع، این دسته ویژگی‌هایی شبیه افعال بهره‌کشی دارند؛ یعنی در اختیار فاعل بند اصلی است که بند متممی رخ بدهد یا خیر (ترجیح<sup>۲</sup>). اما گروه دیگر در دسته معرفتی<sup>۳</sup> قرار می‌گیرند؛ یعنی اینکه فاعل بند اصلی چقدر از انجام عمل در بند متممی اطمینان دارد. بحث بر روی میزان اطمینان فاعل بند اصلی است (نگرش فاعل).

(۳۸) او گفت [که علی برود]. تکلیفی (بهره‌کشی ضعیف)

(۳۹) او گفت [که علی ممکن است رفته باشد]. معرفتی (قطعیت کمتر)

از دیگر تفاوت‌های کاربرد تکلیفی و معرفتی افعال ادراکی در این است که در کاربرد تکلیفی صورت ترجیحی است به این معنا که فاعل بند اصلی از وقوع بند متممی مطمئن نیست و ترجیح می‌دهد آنچه در ذهن خود دارد، رخ دهد (گیون، ۲۰۰۱: ۵۲).

(۴۰) مادر آرزو کرد [که کاش فرزندش زودتر بیاید]. (بند متممی هنوز رخ نداده است).

(۴۱) مادر آرزو کرد [که کاش فرزندش زودتر آمده بود]. (بند متممی رخ داده است).

### ۳-۲-۲-۳-۴- از شناختی تا نقل قولی

تفاوت دیگر در گروه فعل‌های ادراکی-شناختی-بیانی تفاوت بین افعال شناختی و بیانی یا نقل قولی است. این تفاوت ظریف این است که در دسته افعال شناختی همچون «فکر کردن» و «دانستن» فاعل بند اصلی تعهد معرفتی<sup>۴</sup> نسبت به بند متممی دارد، در حالی که فاعل بند اصلی فعل بیانی یا نقل قولی چون «گفتن»، این‌طور نیست و این تعهد معرفتی را ندارد.

(۴۲) او اطلاع پیدا کرد [رئیسش رفته]، در حالی که می‌دانست نرفته. (دارای تعهد معرفتی)

(۴۳) او گفت رئیسش رفته، در حالی که می‌دانست نرفته. (بدون تعهد معرفتی)

به جز تعهد معرفتی ذکر شده در بالا، افعال شناختی از لحاظ نمود و زمان نیز اندکی با افعال بیانی یا نقل قولی تفاوت دارند. در

<sup>1</sup> deontic

<sup>2</sup> preference

<sup>3</sup> epistemic

<sup>4</sup> epistemic commitment

افعال شناختی، فعل بند متممی همهٔ نموده‌ها و زمان‌ها را نمی‌تواند، بپذیرد، این در حالی است که در افعال بیانی یا نقل قولی فعل بند متممی با همهٔ زمان‌ها و نموده‌ها به کار می‌رود.

(۴۴) الف) دادستان می‌داند [که وکیل آمده است]. ب) دادستان می‌داند [که وکیل آمده بود].

ج) دادستان می‌داند [که وکیل دارد می‌آید]. د) دادستان می‌داند [که وکیل داشت می‌آمد].

حال فعل بیانی «گفتن» همراه زمان‌ها و نموده‌های مختلف:

(۴۵) الف) من می‌گویم [او داشت می‌آمد]. ب) من می‌گویم [او دارد می‌آید].

ج) من می‌گویم [او آمده بود]. د) من می‌گویم [او آمده است].

### ۳-۲-۲-۵- از نقل قول غیرمستقیم تا مستقیم

افعال بیانی دو نقل قول مستقیم و غیرمستقیم دارند. البته برخی زبان‌ها در دنیا وجود دارد که در آنها نقل قول غیرمستقیم وجود ندارد (دیکسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۲۸). در افعال ادراکی-شناختی-بیانی، در گروه بیانی یا نقل قولی ما دو صورت نقل قول مستقیم و نقل قول غیرمستقیم داریم. حال بین این دو گروه نیز تفاوت‌های ظریفی وجود دارد. به این صورت که در نقل قول مستقیم، معمولاً عبارات اشاری<sup>۲</sup> از جمله «من» و «تو» در دو بند اشارات یکسانی دارند. همچنین، تفاوت‌های مطابقت زمانی نیز بین این دو نوع نقل قول نیز وجود دارد. در نقل قول مستقیم، زمان وقوع بند متممی و یا همان جملهٔ نقل قولی مربوط به زمان قبل است.

(۴۶) مژگان تأکید کرد [«من مقاله را نوشته‌ام»]. (مژگان = من)

(۴۷) مژگان تأکید کرد [که او مقاله را نوشته است]. (مژگان = کسی که مقاله را نوشته است).

### ۳-۲-۳- ابعاد معنایی افعال وجهیتی

عوامل معنایی افعال وجهیتی به شرح زیر است.

### ۳-۲-۳-۱- پیوستگی ارجمی و یکپارچگی رویداد

در افعال وجهیتی برخلاف افعال ادراکی-شناختی-بیانی، یکپارچگی وجود دارد که در اصطلاح آن را هم‌فاعلی<sup>۳</sup> می‌نامند، به این صورت که یک یکسانی بین فاعل بند اصلی و فاعل بند متممی وجود دارد. در بیشتر مواقع فاعل بند اصلی همان فاعل بند متممی است (تراگوت<sup>۴</sup> و هاینه<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱: ۱۶۸).

(۴۸) مدیر برنامه‌ریزی کرده بود [بچه‌ها به اردو بروند].

### ۳-۲-۳-۲- استلزام

در بالاترین درجه از افعال وجهیتی، افعال وجهیتی استلزامی<sup>۶</sup> قرار دارند که در مقابل افعال وجهیتی غیراستلزامی هستند. منظور منظور از استلزامی در این افعال این است که همانند افعال بهره‌کشی اگر بند اصلی صدق داشته باشد، بند متممی هم صدق دارد.

(۴۹) استاد توانست [دانشجو را قانع کند]. (استلزامی)

<sup>1</sup> R.M.Dixon

<sup>2</sup> deixis

<sup>3</sup> equi-subject

<sup>4</sup> E. Traugott

<sup>5</sup> B. Heine

<sup>6</sup> implicativity

۵۰) استاد می‌خواست [دانشجو را راضی کند]. (غیراستلزامی)

### ۳-۲-۳-۳-۳ قصد و موفقیت

در افعال وجهیتی در دسته افعال غیراستلزامی، هرچه قدر قصد فاعل از انجام عملی بیشتر باشد، احتمال موفقیت هم بیشتر است. در این باره در افعال وجهیتی معمولاً یک درجه‌بندی وجود دارد. به صورت زیر:

خواستن < قصد داشتن < برنامه‌ریزی کردن < توانستن

مثلاً در فعل «خواستن» میزان قصد فاعل از فعل «توانستن» بیشتر است؛ در نتیجه، میزان موفقیت فعل هم بیشتر است (گیون، ۲۰۰۱: ۵۷).

۵۱) پسر می‌خواهد [معلم شود]. (قصد بیشتر = احتمال موفقیت بیشتر)

۵۲) پسر می‌تواند [معلم شود]. (قصد کمتر = احتمال موفقیت کمتر)

### ۳-۲-۳-۴-۳ عادت، دانستن و هم‌مرجعی

در کاربرد افعال وجهیتی تمایز معنایی بین دو گونه کاربرد بند متممی وجود دارد: کاربرد مصدر یا حالت التزامی و یا کلمه پرسشی. در صورت کاربرد مصدر منظور عمل خاصی است که فاعل بند اصلی یک بار انجام داده است. این عمل از طریق خود فاعل رخ داده است؛ بنابراین، بند متممی و بند اصلی هم مرجع هستند چون هر دو بند به فاعل بند اصلی اشاره دارند.

۵۳) مرد باز هم برای باز کردن گاوصندوق نقشه کشید.

در صورت کاربرد التزامی، فاعل بند اصلی مهارت عمل انجام شده و طریقه آن را می‌داند؛ یعنی اینکه می‌داند چگونه این کار را انجام دهد. در این صورت هم بین بند متممی و بند اصلی هم‌ارجاعی وجود دارد.

۵۴) مرد باز هم نقشه کشید [که گاوصندوق را چطور باز کند].

اما در صورت کاربرد کلمه پرسشی، فاعل بند اصلی تنها انجام عمل را به یاد می‌آورد به این معنی که چگونه انجام می‌شود و عمل انجام شده را خود فاعل انجام نمی‌دهد. در این صورت فاعل بند اصلی و بند متممی هم مرجع نیستند. در کاربرد سوم، بند متممی دارای فعل خودایستا است و همچنین، کلمه پرسشی «چگونه» به بند متممی اضافه شده است و طول جمله افزایش پیدا کرده است (گیون، ۲۰۰۱: ۵۸).

۵۵) مرد نقشه کشید [که گاوصندوق را چگونه باز می‌کنند].

۵۶) ؟مرد باز هم نقشه کشید [که گاوصندوق را چگونه باز می‌کنند].

در مثال (۵۴) افعال وجهیتی به معنای «عادت» به کار رفته است. در این صورت همانند سایر افعال وجهیتی بین بند اصلی و بند متممی هم‌مرجعی وجود دارد. اما در مثال (۵۶) فعل وجهیتی به معنای «دانستن» به کار رفته است؛ بنابراین، همانند افعال ادراکی-شناختی-بیانی عمل می‌کند؛ یعنی هم‌مرجعی بین بند اصلی و بند متممی وجود ندارد. با کاربرد «باز هم» در مثال (۵۶) این تفاوت آشکار می‌شود.

### ۳-۳-۳ عوامل نحوی در پیوستگی بند

در افعال متممی دو دسته بهره‌کشی و وجهیتی بیشترین پیوند بندی را دارا هستند، به این معنا که این دو دسته گرایش بیشتری دارند که در یک بند واحد ظاهر شوند؛ ولی این پیوند بندی در افعال ادراکی-شناختی-بیانی کمتر است، بدین معنا که این افعال

نشان‌دهنده دو رخداد مجزا هستند. زبان‌ها برای نشان‌دادن این پیوند بند، از چهار امکان استفاده می‌کنند.

### ۳-۳-۱- هم‌واژگانی شدگی

منظور از هم‌واژگانی شدگی این است که دو ریشه فعلی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و یک فعل مرکب می‌سازند (گیون، ۱۹۹۱ ب:۲). همان‌طور که پیشتر ذکر شد منظور این است که فعل بند متممی و بند اصلی در قالب یک واحد آوایی و یا یک کلمه واحد به کار می‌روند. البته این ساختار نیز در انگلیسی به ندرت رخ می‌دهد. این فرایند متحدشدن فعل بند متممی و بند اصلی، در فعل‌های بهره‌کشی و وجهیتی که پیوند بندی بین بند متممی و بند اصلی بیشتر است، بیشتر رخ می‌دهد و در افعال ادراکی - شناختی - بیانی این اتحاد فعل‌های بند متممی و بند اصلی رخ نمی‌دهد؛ زیرا دو بند دو رویداد مجزا هستند و گرایشی به پیوند در یک جمله واحد را ندارند. یعنی هرچه فعلی در پیوستار متمم‌سازی در درجه بالاتری قرار گرفته باشد، امکان پیوند فعل بند متممی و بند اصلی بیشتر است. در مثال زیر از زبان ایتالیایی، دو فعل *hizo (made)* و *comer (eat)* دو فعل مجزا هستند؛ ولی به دلیل پیوند زیادی که بین بند اصلی و بند متممی وجود دارد، این دو فعل به مثابه یک واحد آوایی به کار می‌روند و متحد شده‌اند. در زبان فارسی، شاهدهی از هم‌واژگانی شدگی یافت نشد.

57) José le *hizo-comer* a Juan  
Joe him/DAT *made-eat/INF* DAT Juan  
'Joe made John eat' (direct)

### ۳-۳-۲- نشانه حالت و روابط دستوری

دومین عامل نحوی که در طبقه بندی پیوستار متمم‌سازی نقش دارد، نشانه حالت و روابط دستوری است که مربوط به مفعول بند اصلی می‌شود که همان فاعل بند متممی است. این حالت در افعال بهره‌کشی مشاهده می‌شود که فاعل بند متممی در بند اصلی به صورت مفعولی ظاهر می‌شود. این حالت مفعولی سرنمون‌های معنایی و نحوی دارد؛ در این قسمت نیز آنها را به اختصار بیان می‌کنیم.

- سرنمون معنایی: عامل < برای > کنش‌پذیر < سایر
- سرنمون نحوی: فاعل < مفعول مستقیم > موضوع

حال هرچه قدر پیوستگی بین بند متممی و بند اصلی بیشتر باشد، احتمال اینکه فاعل بند متممی (یا همان مفعول بند اصلی) حالت سرنمون باشد، کمتر است. برای مثال، در فعلی چون «وادر کردن»، که فعل بهره‌کشی موفق است، پیوستگی بین بند متممی و بند اصلی بیشتر است و در نتیجه، فاعل بند متممی سرنمون نیست و حالت مفعولی می‌گیرد. در فارسی، فاعل نشانه حالت ندارد و معمولاً حالت مفعولی را با «را» نشان می‌دهیم.

۵۸) من مجبور شدم [بروم]. (من: فاعل، درجه اول سرنمونی)

۵۹) هیئت‌مدیره را وادار کردم [بار دیگر موضوع را بررسی کنند]. (هیئت‌مدیره: مفعول، درجه دوم سرنمونی)

### ۳-۳-۳- فعل خودایستا یا ناخودایستا

سومین عامل نحوی در پیوستار متمم‌سازی ساختار صرفی فعل است (گیون، ۲۰۰۱: ۶۸). یعنی اینکه فعل زمان‌دار یا خودایستا باشد و یا بی‌زمان یا ناخودایستا. اگر دو رویداد به هم پیوسته و مربوط باشند، هر دو فعل بند متممی و بند اصلی یک زمان دارند و در غیراین صورت، اگر دو رویداد مجزا باشند، دو فعل تنزل‌یافته هستند (استاسن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵: ۷۶). هرچه پیوستگی بین دو بند بیشتر

<sup>۱</sup> L.Stassen

باشد، گرایش بیشتری وجود دارد که فعل بند متممی به صورت ناخودایستا یا اسمی شده به کار رود. زبان‌ها برای ناخودایستایی از امکان‌های متنوعی استفاده می‌کنند. در فارسی از این امکانات برای ناخودایستایی و یا اسمی شدن استفاده می‌کنند.

• وجه التزامی: وجه التزامی در فارسی نشان‌دهنده ناخودایستایی فعل است و افعالی چون افعال بهره‌کشی که پیوستگی بین بند متممی و بند اصلی در آنها بیشتر است، از این امکان استفاده می‌کنند (گیون، ۲۰۰۰: ۱۱۷). هرچه پیوستگی کمتر باشد، فعل بند متممی حالت التزامی را از دست می‌دهد و خودایستا یا زمان‌دار می‌شود که این حالت بیشتر در افعال ادراکی - شناختی - بیانی مشاهده می‌شود.

(۶۰) مادر گذاشت [کودکش را ببرند]. (فعل بهره‌کشی همراه وجه التزامی)

(۶۱) حسن دید [که بچه‌ها باعجله می‌روند]. (فعل ادراکی همراه وجه استمراری)

• مصدری: زبان فارسی برای پیوند بند متممی و بند اصلی در یک بند واحد، گاهی از مصدر فعل بند متممی استفاده می‌کند که در این صورت فعل زمان خود را از دست می‌دهد و به صورت جمله واحد با بند اصلی به کار می‌رود.

(۶۲) الف) پس از پایان درسش، اقدام کرد [گواهینامه بگیرد].

ب) پس از پایان درسش اقدام به گرفتن گواهینامه کرد.

• اسمی شدگی: هرچه پیوستگی بین دو بند بیشتر باشد، این دو بند گرایش بیشتری دارند که تبدیل به یک جمله واحد شوند که در زبان فارسی برای تبدیل شدن به یک جمله واحد، از حالت اسمی شده فعل بند متممی استفاده می‌شود (گیون، ۲۰۰۱: ۶۸).

(۶۳) الف) به شما توصیه می‌کنم [از این شامپو استفاده کنید].

ب) استفاده از این شامپو را به شما توصیه می‌کنم.

### ۳-۳-۴- فاصله بین بندها

در عوامل نحوی متممی، فاصله بین بندها یک ابزار است. به این صورت که هرچه قدر پیوستگی بین دو بند کمتر باشد، در واقع، دو بند دو رویداد مجزا هستند و گرایش بیشتری دارند که از تکواژ متمم‌نما استفاده کنند، مانند مثال (۶۳)، و هرچه قدر این پیوستگی بین دو بند بیشتر باشد، مانند مثال (۶۴)، استفاده از تکواژ متمم‌نما کمتر است (گیون، ۱۹۸۰: ۳۷۱).

(۶۴) من اعتقاد دارم [که این وضعیت پایدار نیست].

(۶۵) مری به بازیکنان اخطار داد [عصبانی نشوند].

در افعال ادراکی - شناختی - بیانی پیوستگی بین بند متممی و بند اصلی کمتر است و در این صورت تکواژ متمم‌نما معمولاً برای نشان دادن یک رویداد واحد به کار می‌رود.

(۶۶) اطلاع پیدا کردیم [که در شهر آتش سوزی شده است].

اما برای افعال بیانی دو دسته نقل قول مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد که اگر نقل قول مستقیم باشد، از تکواژ متمم‌نما استفاده نمی‌شود، همانند مثال (۶۷)، و به جای آن از مکث و یا از علامت «:» استفاده می‌شود (گیون، ۲۰۰۱: ۷۱)؛ اما در نقل قول غیرمستقیم «که» استفاده می‌شود نظیر مثال ۶۸.

(۶۷) به او بگوئید: [من دارم می‌آیم].

(۶۸) به او بگوئید [که علی داردمی‌آید].



در افعال بهره‌کشی و وجهیتی، هم‌مرجعی بین بند اصلی و بند متممی وجود دارد؛ در نتیجه، این دو بند پیوستگی معنایی و نحوی بیشتری دارند. همان‌طور که ذکر شد، هرچه این پیوستگی بیشتر باشد، استفاده از متمم‌نمای «که» کمتر است. اما در افعال ادراکی-شناختی-بیانی به دلیل نبودن هم‌مرجعی بین بند اصلی و بند متممی، استفاده از متمم‌نمای «که» بیشتر است.

#### ۴- بررسی میزان وابستگی در بندهای متممی

پیکره پژوهش حاضر شامل ۲۴۰ فعل متممی است. این افعال ابتدا از فرهنگ سخن (انوری، ۱۳۸۲) و پایگاه داده‌های زبان فارسی (عاصی، ۱۹۹۷) جمع‌آوری شده‌اند. سپس، نمونه‌هایی از کاربرد این افعال با استفاده از مرورگر گوگل بررسی شده‌اند. برای مثال، در فرهنگ سخن و پایگاه داده‌های زبان فارسی، افعالی که دارای بند متممی بودند را استخراج کردیم و در گوگل جملاتی با این افعال را پیدا کردیم. تمامی نمونه‌های افعال که منبع آنها ذکر نشده است، از مرورگر گوگل تهیه شده است.

#### ۴-۱- وابستگی معنایی

در این بخش با بررسی ابعاد معنایی افعال متممی پیوستارهایی از این افعال ارائه خواهیم داد.

#### ۴-۱-۱- طبقه‌بندی معنایی افعال بهره‌کشی

در این بخش با بررسی افعال بهره‌کشی با ابعاد معنایی، پیوستاری به دست می‌دهیم که شامل چهار طبقه است که در ادامه به آن می‌پردازیم. نمونه‌ای از افعال بهره‌کشی در مثال زیر آورده شده است:

(۶۹) من رحمتی را مجاب کردم [به پرسپولیس بیاید].

ابتدا با ابعاد معنایی که در طبقه‌بندی این پیوستار نقش داشته‌اند، آغاز می‌کنیم. این ابعاد به ترتیب زیر هستند که در بخش ۳-

۱-۲ مفصل شرح داده شد. در این بخش فقط به ذکر فهرست وار و ارائه مثال از این ابعاد بسنده می‌کنیم:

۱. بهره‌کشی موفق و مقصود

(۷۰) غرب ترکیه را وادار کرد [با روسیه آشتی کند]. (موفق)

(۷۱) فردا صبح به نانوایا اخطار می‌کنم [تدارک خود را ببینند]. (مقصود)

۲. هم‌زمانی و موفقیت

(۷۲) مجبورش کرد [عذرخواهی کند]. (موفق و هم‌زمان)

(۷۳) از شما خواهش کردم [آن را قبول کنید]. (غیرموفق و غیرهم‌زمان)

۳. موفقیت و کنترل عامل

(۷۴) جامعه مرا واداشت [بیماریم را پنهان کنم]. (موفق)

(۷۵) به آنها سفارش کردم [تحویلت نگیرند]. (غیرموفق)

۴. تعمد و کنترل عامل

(۷۶) الف) دنیا عمداً مرا اجبار کرد [سکوت کنم].

ب) ؟ دنیا سهواً مرا اجبار کرد [سکوت کنم].

(۷۷) الف) ؟ سیاست زنگنه عمداً سبب شد [شکست دوحه به پای ایران نوشته شود].

ب) سیاست زنگنه سهواً سبب شد [شکست دوحه به پای ایران نوشته شود].

۵. کنترل عامل و یکپارچگی هم‌زمانی

(۷۸) الف) به او دستور دادم [برود].

ب) ؟ دو سال پیش به او دستور دادم [امروز برود].

(۷۹) الف) قطع‌نامه منجر شد [ایران موضع خود را تغییر دهد].

ب) دو سال پیش قطع‌نامه منجر شد [امروز ایران شرایط خود را تغییر دهد].

۶. ارتباط مستقیم و یکپارچگی زمانی - مکانی

(۸۰) الف) دیروز احمدی را مجاب کردم [به جلسه بیاید]. (ارتباط مستقیم)

ب) ؟ دیروز احمدی را مجاب کردم [امروز به جلسه آورده شود].

(۸۱) الف) دیروز من باعث شدم [احمدی به جلسه بیاید]. (ارتباط غیرمستقیم)

ب) دیروز من باعث شدم [امروز احمدی به جلسه آورده شود].

۷. تماس مستقیم و موفقیت

(۸۲) دخترش را وادار کرد [با خواستگارش ازدواج کند]. ؟ (اما نکرد)

(۸۳) ناچارش می‌کردند [او را بگیرد]. ؟ (اما نمی‌گرفت)

۸. مقاومت، تحمیل و موفقیت

(۸۴) اجبارم کرد [همراهش بروم]. (موفقیت بیشتر، تحمیل و مقاومت کمتر)

(۸۵) به من فشار آورد [که همراهش بروم]. (موفقیت کمتر، تحمیل و مقاومت بیشتر)

۹. یکپارچگی ارجاعی

(۸۶) به معلم کمک کردم [دانش‌آموزان را ساکت کند]. (هم‌مرجعی فاعل بند متممی و مفعول بند اصلی)

(۸۷) یک ماه به مادر التماس کردم [همراهم بیاید]. (هم‌مرجعی فاعل بند متممی و مفعول بند اصلی)

۱۰. کارگفت‌های بهره‌کشی

(۸۸) الف) از تو استدعا می‌کنم [بزرگ شدی معلم شوی]. (مستقیم، صریح)

ب) ؟ از تو استدعا می‌کنم [بزرگ شدی معلم شوی]، البته مجبور نیستی.

(۸۹) الف) کاش [بزرگ شدی معلم شوی]. (غیرمستقیم، غیرصریح)

ب) کاش [بزرگ شدی معلم شوی]، البته مجبور نیستی.

برطبق عوامل ذکر شده، پیوستاری شامل چهار طبقه از افعال بهره‌کشی ارائه خواهیم داد؛ در بالای این پیوستار منظور از «+»

این است که افعال موفق هستند، هم‌زمانی بین بند اصلی و بند متممی وجود دارد و این افعال ویژگی‌های افعال موفق بهره‌کشی را

دارند و هرچه از پیوستار به سمت پایین می‌رویم از میزان این موفقیت کاسته می‌شود تا جایی که در گروه آخر موفقیت این افعال

بسیار کم می‌شود و یا اصلاً موفق نیستند که در این صورت با علامت «-» مشخص شده‌اند.

## جدول (۱) پیوستار افعال بهره‌کشی

و اداری کردن، مجبور کردن، واداشتن، ناگزیر کردن	+
واجب کردن، دستور دادن، فرمان دادن	
باعث شدن، منجر شدن	
گذاشتن، اجازه دادن	-

در گروه اول افعال بهره‌کشی بند متممی صدق دارند؛ یعنی الزاماً رخ داده است؛ ولی در گروه دوم صدق بند متممی کمتر از گروه اول است و بند متممی در این دو گروه دارای هم‌زمانی با بند اصلی است؛ در گروه سوم بند متممی صدق دارد؛ ولی ممکن است هم‌زمانی و یا هم‌زمانی زمانی - مکانی بین بند متممی و بند اصلی نباشد. در گروه آخر که در پایین پیوستار قرار دارند بند متممی الزاماً صدق ندارد و می‌تواند اصلاً رخ ندهد و بین بند متممی و بند اصلی ممکن است هیچ هم‌زمانی نباشد. در گروه اول، بهره‌ده کنترل کمتری دارد و در عین حال بهره‌ور کنترل بیشتر و بهره‌ده مقاومت کمتری دارد. در گروه دوم، بهره‌ور کنترل کمتری دارد و در واقع، بهره‌ده حق انتخاب دارد. در گروه سوم، همچنان بهره‌ده استقلال کمتری دارد؛ ولی بهره‌کشی از روی عمد انجام نمی‌شود. در گروه آخر، همچنان بهره‌ور نقش عاملی دارد و عمل بهره‌کشی را عمدی انجام می‌دهد. در همه این گروه‌ها فعل بند متممی حالت ناخودایستا دارد و معمولاً متمم‌نمای «که» در آنها به کار نمی‌رود.

## جدول (۲) ابعاد معنایی افعال بهره‌کشی

کارگفت‌های بهره‌کشی	مقاومت، تحمیل و موفقیت	تماس مستقیم و موفقیت	ارتباط مستقیم و یکپارچگی زمانی - مکانی	کنترل عامل و یکپارچگی هم‌زمانی	تعمد و کنترل عامل	موفقیت و کنترل عامل	هم‌زمانی و موفقیت	صدق و کذب	
	+	+	+	+	+	+	+	+	گروه اول
	+	-	+	+	+	-	+	-	گروه دوم
	-	+	-	-	-	+	-	+	گروه سوم
	+	-	-	-	-	+	-	-	گروه چهارم

## ۴-۱-۲- افعال ادراکی - شناختی - بیانی

گروه دوم افعال متممی افعال ادراکی - شناختی - بیانی هستند که در بخش قبل به تفصیل به شرح ویژگی‌های آنها پرداختیم، نمونه‌ای از این افعال در مثال زیر است:

(۹۰) محققان اظهار کردند [که رسانه اجتماعی در حال رشد است].

حال تنها ابعاد معنایی این افعال که در طبقه‌بندی پیوستار این افعال نقش داشته‌اند با ذکر مثال عنوان می‌کنیم:

۱. سببی موفق در مقابل هم‌زمانی

۹۱) الف. دیدم [که مادرم می‌رود]. (به معنای مشاهده کردن: ادراکی)

ب. ؟دیروز دیدم [که مادرم امروز می‌رود].

۹۲) الف. دیدم [که قادر به انجامش نیستم]. (به معنای فهمیدن: شناختی)

۲. یکپارچگی ارجاعی

۹۳) من خواهرم را شناختم [که از رستوران بیرون آمد].

۹۴) من اعلام کردم [که او قادر به انجام این کار نیست].

۳. از ترجیح تا معرفتی

۹۵) الف. او به اطلاع رساند [که مبصر باید برود]. (تکلیفی)

ب. او به اطلاع رساند [که مبصر ممکن است رفته باشد]. (معرفتی)

۴. از شناختی تا نقل قولی

۹۶) ؟او با خود اندیشید [که این داستان بسیار جذاب است] اگرچه می‌دانست نیست. . (دارای تعهد معرفتی)

۹۷) ؟او می‌دانست دکتر رفته اگرچه می‌دانست نرفته. (دارای تعهد معرفتی)

۹۸) مرد بیان کرد [مرد را دیده] اگرچه می‌دانست ندیده. (بدون تعهد معرفتی)

محدودیت‌های نمود و زمان در افعال شناختی:

۹۹) الف. ؟ من می‌دانم [او داشت می‌آمد]. من می‌دانم [او دارد می‌آید].

ب. ؟ من می‌دانم [او آمده بود]. من می‌دانم [او آمده است].

۵. از نقل قول غیرمستقیم تا مستقیم

۱۰۰) الف. آقای رئیس اصرار کرد: «من بازنشسته هستم» [آقای رئیس = من]

ب. آقای رئیس اصرار کرد [که او بازنشسته است]. [او = کسی که این سخن را به آقای رئیس گفته]

۱۰۱) الف. رئیس اصرار کرد: «ما مشکل را حل می‌کنیم».

ب. رئیس اصرار کرد [آنها مشکل را حل می‌کنند].

در پیوستار زیر سه گروه افعال ادراکی - شناختی - بیانی از «+» به «-» طبقه‌بندی شده‌اند. منظور از «+» در این پیوستار این است

که در این گروه هم‌زمانی و هم‌ارجاعی بین بند اصلی و بند متممی وجود دارد و هرچه به سمت پایین پیوستار می‌رویم از این

هم‌زمانی و هم‌ارجاعی کاسته می‌شود و تا جایی که این میزان به صفر می‌رسد و علامت «-» نشان‌دهنده فقدان هم‌زمانی و

هم‌ارجاعی در گروه آخر است.

### جدول (۳) پیوستار افعال ادراکی - شناختی - بیانی

دیدن، شنیدن، مشاهده کردن	+
دانستن، فکر کردن، فهمیدن	
ادعا کردن، اصرار کردن، گفتن	-

گروه اول افعال ادراکی را شامل می‌شود. در این افعال بین بند متممی و بند اصلی هم‌زمانی وجود دارد. بین فاعل بند متممی

و مفعول بند اصلی هم‌ارجاعی وجود دارد. در گروه دوم افعال شناختی قرار دارند. در این افعال هم‌زمانی بین بند متممی و بند اصلی اجباری نیست. هم‌ارجاعی بین فاعل بند متممی و مفعول بند اصلی وجود ندارد. در گروه آخر افعال بیانی قرار دارند. مطابقت زمانی بین بند اصلی و بند متممی الزاماً وجود ندارد؛ یعنی دو بند در دو زمان مجزا روی می‌دهند. بند اصلی و بند متممی می‌توانند هم‌ارجاعی فاعل و مفعولی نداشته باشند.

در جدول زیر، ردیف آخر عمودی خاکستری رنگ است. این ردیف به این معناست که عامل نقل قول غیر مستقیم و مستقیم، فقط برای افعال بیانی است و برای افعال ادراکی و شناختی صدق نمی‌کند.

جدول (۴) ابعاد معنایی افعال ادراکی - شناختی - بیانی

از نقل قول غیرمستقیم تا مستقیم	مطابق نمود و زمان	تعهد معرفتی	معرفتی	تکلیفی	یکپارچگی ارجاعی	سببی موفق در مقابل هم‌زمانی	
	-	+	+	-	+	+	گروه اول
	-	+	+	-	-	-	گروه دوم
	+	-	-	+	-	-	گروه سوم

#### ۴-۱-۳- افعال وجهیتی

همانطور که در بخش قبل ذکر شد افعال وجهیتی رفتارهایی شبیه به افعال بهره‌کشی دارند. ابعاد معنایی این افعال که در بخش چارچوب نظری مفصل شرح داده شد، در این بخش به صورت موردی و با ذکر مثال عنوان شده است:

۱. پیوستگی ارجاعی و یکپارچگی رویداد

(۱۰۲) یک روزی جرأت پیدا می‌کنم [بغلت کنم].

۲. استلزام

(۱۰۳) سهراب موفق شد [درشش را تمام کند]. (رویداد پایان یافته: استلزامی)

(۱۰۴) سهراب می‌خواست [درشش را تمام کند]. (رویداد پایان نیافته: غیراستلزامی)

۳. قصد و موفقیت

(۱۰۵) شرکت نفت در صدد برآمد [معاملاتی برای صدور نفت انجام دهد]. (قصد بیشتر = احتمال موفقیت بیشتر)

(۱۰۶) قادر هستم [روزه بگیرم]. (قصد کمتر = احتمال موفقیت کمتر)

۴. عادت، دانستن و هم‌رجعی

(۱۰۷) الف. پسر به یاد آورد [قفل در خانه را باز کند].

ب. پسر به یاد آورد [که قفل در خانه را چگونه باز کند].

ج. پسر به یاد آورد [که قفل در را چگونه باز می‌کنند].

پیوستار افعال وجهیتی نیز همانند افعال بهره‌کشی به میزان موفقیت فعل بند اصلی، هم‌ارجاعی و استلزام بستگی دارد، علامت «+» نشان‌دهنده میزان بالای موفقیت و هم‌ارجاعی در این گروه است و در پایین پیوستار علامت «-» فقدان موفقیت را نشان

می‌دهد.

**جدول (۵) پیوستار افعال وجهیتی**

موفق شدن، توانستن	↑ +
به‌یاد آوردن، خواستن	
برنامه‌ریزی کردن، آرزو کردن	↓ -

در گروه اول دسته‌ای از افعال وجهیتی قرار دارند که بین فاعل بند متممی و بند اصلی یکپارچگی ارجاعی وجود دارد و هم‌مرجعی بین بند اصلی و بند متممی وجود دارد. در این گروه افعال، فعل بند اصلی استلزامی است. در گروه دوم، همچنان بین فاعل بند اصلی و بند متممی یکپارچگی ارجاعی وجود دارد؛ اما این افعال غیراستلزامی هستند. گروه آخر، افعالی هستند که پیوستگی ارجاعی بین بند متممی و بند اصلی کم است. این افعال غیراستلزامی هستند ولی قصد این افعال زیاد است؛ اما بین بند متممی و بند اصلی هم‌مرجعی وجود ندارد.

در ردیف دوم جدول، در گروه اول، قسمت قصد و موفقیت در غیراستلزامی‌ها خاکستری رنگ است. منظور این است که این نمونه برای گروه اول صدق نمی‌کند؛ زیرا گروه اول استلزامی هستند، درحالی‌که این عامل مخصوص افعال وجهیتی غیراستلزامی است.

**جدول (۶) ابعاد معنایی افعال وجهیتی**

هم‌مرجعی	قصد و موفقیت در غیراستلزامی‌ها	استلزام	پیوستگی ارجاعی و یکپارچگی رویداد	گروه اول
+		+	+	گروه اول
+	+	-	+	گروه دوم
-	+	-	-	گروه سوم

**۴-۲- عوامل نحوی در پیوستگی بند**

برای هر دسته از افعال متممی، پیوستاری ارائه شد، که این پیوستارها دارای دو قطب منفی و مثبت هستند. منظور از «-» پیوستگی کمتر بین بند متممی و بند اصلی است و منظور از «+» پیوستگی بیشتر است. گیون (۱۹۸۰: ۳۳۷) عنوان می‌کند هرچه فعلی در پیوستار بالاتر باشد، بند متممی گرایش کمتری دارد که مستقل باشد و پیوستگی بین بند اصلی و بند متممی بیشتر است. همان‌طور که در بخش قبل ذکر شد، در افعال متممی دو دسته بهره‌کشی و وجهیتی بیشترین پیوند بندی را دارا هستند، به این معنا که این دو دسته گرایش بیشتری دارند که در یک جمله واحد ظاهر شوند؛ ولی این پیوند بندی در افعال ادراکی-شناختی-بیانی کمتر است، بدین معنا که این افعال نشان‌دهنده دو رخداد مجزا هستند. زبان‌ها برای نشان دادن پیوند بندها از چهار امکان استفاده می‌کنند. در بخش چارچوب نظری به تفصیل به آنها پرداخته شد. در این بخش نیز به اختصار و با ذکر مثال به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. هم‌واژگانی شدگی: اتصال دو فعل به یکدیگر، یا به بیانی دیگر اتصال فعل بند اصلی و بند متممی و تشکیل یک واحد آوایی متحد، این نمونه نحوی در زبان فارسی مشاهده نشد. اما در انگلیسی مثل فعل "let go" در مثال زیر:

108) Mary Let-go of John's arm.

مری اجازه داد جان از آغوشش برود.

۲. نشانه حالت و روابط دستوری: نشانه حالتی که مفعول بند اصلی و یا همان فاعل بند متممی می‌گیرد.

(۱۰۹) پدرم را مجبور کردم [بیرون برود]. (فاعل بند متممی و مفعول بند اصلی)

۳. فعل خودایستا یا ناخودایستا: منظور فعل بند متممی است که دارای حالت خودایستا یا ناخودایستا است.

(۱۱۰) برادرم را مجبور کردم [همراهم بیاید]. (ناخودایستا)

(۱۱۱) برادرم را دیدم [که همراهش می‌رود]. (خودایستا)

۴. فاصله بین بندها: به این معناست که فاصله بین دو بند یا با تکواژ متمم‌نما و یا با تکیه جدا می‌شود.

(۱۱۲) از رئیس شنیدم [که فردا واریز می‌کنند].

#### ۴-۳- پیوستار متمم‌سازی در زبان فارسی

باتوجه به عوامل نحوی و معنایی ذکر شده در بندهای متممی فارسی، پیوستار کلی متمم‌سازی در زبان فارسی را ارائه کرده‌ایم. در این پیوستار گروه فعل‌های بهره‌کشی، وجهیتی و ادراکی-شناختی-بیانی به ترتیب از بالا تا پایین نمودار قرار گرفته‌اند. در بالاترین قسمت، افعال بهره‌کشی و وجهیتی قرار دارند که دارای بیشترین پیوستگی بین بند متممی و بند اصلی هستند. در بالاترین قسمت پیوستار افعالی چون «ادار کردن» و «ناگزیر کردن»، «موفق شدن» و «توانستن» قرار دارند. در این افعال فعل بند متممی در بیشترین موارد ناخودایستاست.

در گروه دوم در پیوستار افعال وجهیتی قرار دارند، همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد این افعال شباهت زیادی از نظر پیوستگی بند متممی و بند اصلی به افعال بهره‌کشی دارند. پیوستگی بین بند اصلی و بند متممی در این افعال همانند افعال بهره‌کشی زیاد است، به‌همین علت افعال وجهیتی در پیوستار در کنار افعال بهره‌کشی قرار گرفته‌اند.

در گروه آخر پیوستار متمم‌سازی، افعال ادراکی شناختی بیانی قرار دارند، این افعال به ترتیب در سه گروه از بالا به پایین ادراکی، شناختی و بیانی هستند. در این میان، افعال ادراکی نسبت به شناختی و شناختی نسبت به بیانی پیوستگی بیشتری دارند. افعال بهره‌کشی و وجهیتی از لحاظ ویژگی‌های فعلی و بند متممی با یکدیگر متفاوت هستند؛ ولی از لحاظ پیوستگی دو بند در یک جمله واحد، شبیه یکدیگر عمل می‌کنند. هر دو دسته، در بند متممی، بیشتر فعل ناخودایستا دارند و از متمم‌نما کمتر استفاده می‌کنند و در نهایت، بین بند متممی و بند اصلی هم‌ارجاعی وجود دارد که منجر به پیوستن در یک جمله واحد می‌شود.

## جدول (۷) پیوستار کلی متمم‌سازی در زبان فارسی

افعال و جهیتی	افعال بهره‌کشی
موفق شدن، توانستن، ثابت کردن	وادار کردن، مجبور کردن، واداشتن، ناگزیر کردن
به‌یاد آوردن، خواستن	واجب کردن، دستور دادن، فرمان دادن
برنامه‌ریزی کردن، آرزو کردن	باعث شدن، منجر شدن
	گذاشتن، اجازه دادن
افعال ادراکی-شناختی-بیانی	
دیدن، شنیدن، مشاهده کردن	
دانستن، فکر کردن، فهمیدن	
ادعا کردن، اصرار کردن، گفتن	

## ۵- نتیجه‌گیری

این پژوهش افعال متممی فارسی را مطالعه و عوامل معنایی و نحوی تأثیرگذار در طبقه‌بندی این افعال و اصل تصویرگونگی درباره پیوند دو بند متممی و اصلی را در یک جمله واحد بررسی کرده است. با استفاده از عوامل معنایی از جمله هم‌زمانی، هم‌ارجاعی، استلزام، تمایز زمان و نمود و دانش معرفتی، افعال متممی فارسی را در سه دسته افعال بهره‌کشی، و جهیتی و ادراکی-شناختی-بیانی طبقه‌بندی کردیم و برای هر گروه از افعال پیوستاری ارائه کردیم. این پیوستارها دارای دو قطب هستند که افعال بالای پیوستار تمامی ویژگی‌های گروه مدنظر را دارند و افعال پایین پیوستار کمترین ویژگی را دارند. درباره عوامل نحوی در پیوستگی دو بند اصلی و متممی در قالب یک جمله واحد نیز چهار عامل هم‌واژگانی شدگی، خودایستا یا ناخودایستا بودن فعل بند متممی، وجود یا نبود متمم نما و حالت مفعولی فاعل بند متممی را بررسی کردیم که از این چهار عامل، به جز واژگانی شدگی که در فارسی مشاهده نشد؛ اما در انگلیسی وجود دارد و زمانی رخ می‌دهد که دو بند اصلی و متممی تا حدی به یکدیگر پیوسته هستند که فعل بند متممی و بند اصلی در قالب یک واحد آوایی به کار می‌رود، دو عامل نحوی متمم‌نما و خودایستا یا ناخودایستا بودن فعل بند متممی تأثیر زیادی در پیوستگی دو بند دارند و برای حالت مفعولی بند متممی نیز نشانه «را» در فارسی به کار می‌رود.

## منابع

- اخلاقی، فریار (۱۳۸۹). «بررسی رده‌شناختی متمم‌افزایی در فارسی امروز». *مجله دستور*، شماره ۶، صص ۱۰۰-۱۴۹.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). *فرهنگ سخن* (۸جلد). تهران: سخن.



راسخ مهند، محمد (۱۳۹۱). «بند فاعلی در زبان فارسی». *زبان‌شناسی*، شماره ۴۷، صص ۴۳-۵۳.

راسخ مهند، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ توصیفی نحو*. تهران: نشر علمی.

- Andersson, E. (1985). *On Verb Complementation in Written English* [Lund Studies in English 71.] Malmö: C.W.K. Gleerup.
- Assi, S. M. (1997). Farsi linguistic database (FLDB). *International Journal of Lexicography*, 10(3),5. www.dadegan.ir.
- Bolinger, D. (1977). *Meaning and Form*. London: Longman.
- Buysens, E. (1987). The preposition for with an infinitive clause. *English Studies*, 68: 336-347.
- Cristofaro, S. (2003). *Subordination*. New York: Oxford University Press.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dixon, R.M. (2006). *Complementation: a cross linguistic typology* (no. 3). Oxford university Press.
- Givón, T. (1980). The binding hierarchy and the typology of complements. *Studies in Language*, 4: 333-377.
- Givón, T. (1991a) Isomorphism in the grammatical code: Cognitive and biological considerations. *Studies in Language*, 15(1):85-114.
- Givón, T. (1991b) Some substantive issues concerning verb serialization: Grammatical vs. cognitive packaging. *Serial verbs: Grammatical, comparative and cognitive approaches*, 8, 137- 184
- Givón, T. (2000). Internal reconstruction: As method, as theory. In S. Gildea (ed.) *Reconstructing Grammar: Comparative Linguistics and Grammaticalization*, TSL 43, Amsterdam: John Benjamins.
- Givón, T. (2001). *Syntax: An introduction*. 2 volumes (set). Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing.
- Haiman, J. (1985). *Natural Syntax: Iconicity and Erosion*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hollmann, W. (2005). The iconicity of infinitival complementation in present-day English causatives. *Outside-in, Inside-out: Iconicity in language and literature*, 4,4:287. University of Lancaster.
- Huddleston, R.D. (1971). *The Sentence in Written English: A Syntactic Study Based on an Analysis of Scientific Texts*. London: Cambridge University Press.
- Karttunen, L. (1971). Some observations on factivity. *Linguistics*, 4:55-69.
- Karttunen, L. (1974) Presupposition and linguistic context. *Theoretical Linguistics*, 1,2:181-194.
- Lehrer, A. (1987). Why to is not a verb. In, N. Århammar et al. (eds), *Aspects of Language: Studies in Honour of Mario Alinei*. Vol. 2. *Theoretical and Applied Semantics*, 249-260. Amsterdam: Rodopi
- Noonan, M. (2007). *Complementation, Language Typology and Syntactic Description*, Volume 2, Edited By: T.Shopen, 52-150. Cambridge: Cambridge University Press
- Saeed, J. (2012). *Semantics*. United Kingdom: Blackwell Publishing
- Stassen, L. (1985). *Comparison and Universal Grammar*. Oxford: Basil Blackwell
- Traugott, E. and B. Heine. (1991) (eds). *Approaches to Grammaticalization*. Amsterdam: John Benjamins.
- Zandvoort, R.W. (1957). *A Handbook of English Grammar*. London: Longman.